



تأديب و حق سلامت کودکان در فقه اسلامی

آیدا تنهائی دیلمقانی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

Aydatanhae1360@gmail.com

هادی علیی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

(نویسنده مسئول)

Aliiehadi_lawyer@yahoo.com.au

چکیده

این پژوهش به بررسی تأديب کودک در اسلام پرداخته است؛ و به دنبال جواب دادن به این سؤال است که اسلام چه راه کارهایی برای تأديب کودک آورده است؟ برای دستیابی به این مهم این تحقیق به روش کتابخانه‌ای انجام شد؛ بنابراین، این پژوهش از نظر هدف کاربردی و مسأله محور بوده و نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که در منابع فقهی به تربیت اعتقادی و تربیت اخلاقی فرزندان و وظایف والدین در این ساحات توجه شده است. بدین صورت که صیانت فرزند از آنچه موجب فساد اخلاق و عقیده‌اش می‌شود، واجب است و باید نسبت به جلوگیری از فروافتادن فرزند در ورطه خسران، فساد و معاصی مواظبت نمود و وی را از گناهان منع کرد و به اخلاق و آداب نیکو عادت داد.

کلیدواژه‌ها: تأديب، کودک، سلامت، فقه



مقدمه

تأدیب انسان و پرورش فضایل اخلاقی مهم‌ترین هدف رسالت انبیاء الهی بوده است. تا انسان در مسیر کمال و سیر الی الله که علت غایی آفرینش است قرار گیرد (مستدرک الوسائل ج ۱۱، ص ۱۸۸، بحار الانوار ج ۱۶، ص ۲۰۹). پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) می‌فرماید: «همانا من مبعوث شده‌ام که فضایل اخلاقی را به سر حد کمال برسانم». «انسان شدن» انسان مرهون و مدیون اقدام‌های تأدیبی چه از طرف خود (خودسازی) و چه از طرف پرورش دهندگان او می‌باشد. انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است و این اراده و اختیار تحت تأثیر گرایش‌های غریزی و حالات درونی اوست. حال اگر این گرایش‌های غریزی و کشش‌های درونی در اثر تأدیب به مسیر درست و اصولی هدایت شوند، می‌توان امید داشت که انسان در صحنه‌های گوناگون مطابق حق و به روش صحیح عمل خواهد کرد و اگر اراده او تنها تحت تأثیر امیال و خواهش‌های نفسانی باشد و هیچ عامل تأدیبی آن را کنترل و هدایت نکند مسلماً عملکرد انسان خالی از اشتباه و خطا خواهد بود. با توجه به اینکه شخصیت و شاکله‌ی وجودی افراد از زمان کودکی شکل می‌گیرد سال‌های اولیه عمر هر فرد از مهم‌ترین و مؤثرترین دوره‌های زندگی او به شمار می‌رود. کودک در این سال‌ها در خانه و در میان خانواده پرورش پیدا می‌کند و خانواده نخستین کانون تربیت و معمار اولیه شخصیت او می‌باشد. به همین دلیل خانواده‌ها مسئولیت سنگینی را در تأدیب کودکان بر عهده دارند و باید از همان زمان کودکی در تعلیم و تربیت آن‌ها کوشا باشند. برای این کار باید عناصر و عوامل اصلی تعلیم و تربیت را بشناسند و تأدیب کودک را با برنامه‌ی دقیق و حساب شده‌ای انجام دهند. تا موفقیت‌آمیز و نتیجه‌بخش باشد؛ و چنانچه در این برهه‌ی حساس والدین غافل باشند و کودک از تربیت صحیح محروم شود، آن‌چنان ضربه‌ای به سعادت مادی و معنوی و تکامل وی وارد می‌شود که هرگز قابل جبران نخواهد بود.

لذا نظر به اهمیت تأدیب کودک بررسی هرچند کوتاه و مختصر ضروری به نظر می‌رسد. شاید بتوانیم با کمی دقت به این مهم پی ببریم و با برنامه‌ریزی مناسب و دقیق از پس این مسئله دشوار به سلامت بیرون آییم. در این نوشتار هم به مسئله تأدیب کودک در اسلام پرداخته شده است. نکات تأدیبی در کنوانسیون حقوق کودک مورد بررسی قرار گرفته شده است. یکی از مسائل مهم زندگی هر انسانی، احساس مسئولیت در قبال فرزندان و اهتمام در ادب‌آموزی آنان است. این حقی از حقوق فرزندان بر والدین به شمار می‌رود. از امام کاظم (ع) روایت شده است: ^۱ (الكافی، ج ۶، ص ۴۸، تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۲) مردی (دست فرزندش را گرفته) به حضور پیامبر (ص) رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا، حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی و تربیتش را نیکو گردانی و در جایگاه نیکو قرارش دهی. انسان دارای استعدادهای نهفته‌ای است که تا تأدیب نباشد این استعدادها مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرند. پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) می‌فرمایند: ^۲ (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸) مردم معدن‌هایی هستند همچون معادن طلا و نقره. تأدیب می‌تواند این معادن گران قیمت را مورد بهره‌برداری قرار دهد و استعدادهای نهفته انسان را شکوفا سازد. تأدیب زمینه را برای شکوفایی استعدادها مادی و معنوی فرد فراهم می‌کند. و در سایه تأدیب است که انسان می‌تواند به اهداف و کمالاتی که خداوند متعال او را برای آن هدف‌ها آفریده است برسد. تأدیب و تربیت در اسلام همان هدایت است. تأدیب صحیح فرد، همان هدایت به راهی است که باعث رسیدن انسان به کمال شایسته‌اش می‌شود. پیامبر در حدیثی در اهمیت تربیت و هدایت انسان‌ها می‌فرماید: ^۳ اگر خداوند به وسیله تو یک فرد را هدایت کند برای تو بهتر است از دنیا و آن چه که در آخرت است. (منیة المرید، شهید

^۱ عَنْ النَّبِيِّ (ص): «أَمَّا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ

^۲ «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ: تَحْسِينُ اسْمِهِ وَادِّبَهُ وَوَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا»

^۳ «النَّاسُ مَعَادِنُ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ»

^۴ «لَإِنْ يَهْدِ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاجِدْ خَيْرَ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»



کافی، ص ۱۰) پدران و مادران، با تربیت صحیح فرزندان، مهم‌ترین وظیفه‌ی اسلامی خود را انجام می‌دهند و در مکتب آسمانی اسلام هیچ خدمتی از ناحیه‌ی والدین درباره‌ی فرزندان شریف‌تر از تربیت صحیح آنان نیست. علی (ع) فرمود: 'هیچ پدری به فرزندش تفصل و بخشش ننموده است که عالی‌تر و شریف‌تر از تربیت خوب باشد. نکته‌ای که تأکید بر آن لازم است اینکه، طرح مسائل تنها به صورت نظری کار ساز نبوده بلکه آنچه باعث تأثیر و تحوّل در مخاطب خواهد شد عمل به مسائل اخلاقی و ارائه الگوهای زنده می‌باشد. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۵)

الف) انگیزه انتخاب موضوع و ضرورت بحث درباره آن

درباره مسائل تربیتی بسیار گفته و نوشته‌اند؛ اما نگاشته‌ای با رویکرد کاربردی کمتر یافتنی است و کم یاب تر از آن نوشته‌ای است که به تربیت دینی هم پرداخته باشد. تعلیم و تربیت امروز برگرفته و تقلیدی از غرب است و آنچه مایه تأسف است این است که در جهان معاصر از حاکمیت اخلاق و معنویت و ضرورت تربیت الهی کمتر سخن جدّی به میان می‌آید. تمام تلاش‌های علمی و عملی به بُعد مادی حیات انسان محدود گشته است و این بی توجهی به بُعد معنوی تمدن جهان را به انحطاط و گمراهی کشانده است. مسئله تربیت، در این گونه کتاب تنها از دیدگاه جسمانی و مادی مورد بحث قرار گرفته و از جنبه معنوی حیات و فضایل اخلاقی غفلت شده است؛ و اگر گاهی به مسائل اخلاقی پرداخته شده است، اخلاقی است که در خدمت زندگی دنیوی و جلب منافع مادی باشد. از طرفی تعلیم و تربیت اسلامی در بین مسلمانان به دست فراموشی سپرده شده و تعلیم تربیتی در لابه‌لای کتب متروک مانده است. در حالی که اخلاق و تربیت اسلامی با ویژگی و بُعد متعالی خود بر تمامی مکاتب اخلاقی برتری داشته و تضمین کننده سعادت انسان‌ها در تمام زمان‌ها است. لذا لازم است با بهره‌گیری از روان‌شناسی تربیتی و تحقیقات پرورشی، سرمایه‌های تربیتی مکتب خود را به زبان روز بیان کنیم، تا معلوم شود که اسلام قرن‌ها پیش از دیگران رموز و حقایق تربیتی را گوشزد کرده است و هم روشن شود که پیشوایان دینی ما چگونه فرزندان خود را تربیت می‌کردند تا این آشنایی بتواند ما را در گشودن گره‌های تربیتی امروز یاری کند.

ب) پرسش‌های تحقیق

سؤال اصلی

راه کارهایی که اسلام برای تأدیب کودک آورده است چیست؟

سؤال فرعی

۱. در تأدیب اسلامی کدام یک از ساحت‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؟
۲. مهم‌ترین دوره تأدیب کودک در اسلام کدام است؟
۳. روش‌های تأدیب کودک در فقه اسلامی چیست؟
۴. آیا حق داریم کودک را تنبیه بدنی کنیم؟
۵. در صورت تنبیه بدنی، اگر این تنبیه صدمه بدنی به کودک وارد کرد آیا بار حقوقی دارد؟
۶. تفاوت نظام تربیتی و حقوقی اسلام، با رویکرد و مواد اخلاقی و قانونی کنوانسیون حقوق کودک در چیست؟

معنای لغوی تأدیب و تربیت

واژه‌ی «تأدیب» مصدر باب تفعیل از ماده‌ی «ادب» به معنای ادب آموختن (معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱ ص ۱۰۱۵)، تربیت کردن و تعلیم دادن (فرهنگ ابجدی، ص ۳۳) آمده است. واژه‌ی «تربیت» نیز مصدر باب تفعیل از ماده «ربی یربو» به معنای رشد (ابن منظور، لسان العرب، ذیل ماده ربی)، پروردن، و پروراندن، آداب و اخلاق به کسی آموختن (معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۰۶۳) آمده است.

معنای اصطلاحی تأدیب و تربیت

۱ قال علی (ع): «ما نحلّ والدٌ ولداً نحلّ أفضل من أدب حسن»

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخششی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۰۶-۹ داخلی ۲۲۶ و ۲۲۲



تأدیب و تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل پرورش و شکوفا کردن استعدادهای بالقوه‌ی مادی و معنوی افراد و توجه دادن آن‌ها به سوی اهداف و کمالاتی که خداوند متعال آن‌ها را برای آن هدف‌ها در وجود انسان قرار داده است.

دوران زمانی تأدیب کودک در اسلام

دوران تأدیب در اسلام را می‌توان به دو دوره قبل از تولد و بعد از تولد تقسیم کرد. دوره اول مربوط به پیش‌بینی‌های لازم در انتخاب همسر جهت انتقال صفات مطلوب به کودک و تدابیر لازم در هنگام انعقاد نطفه و مراقبت‌های لازم در دوران جنینی و در زمان زایمان می‌باشد. دوره بعد از تولد را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد: کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی و پیری. پیامبر اکرم (ص) برای انسان از زمان تولد تا سن بیست و یک سالگی سه دوره هفت ساله قائل شده است. قال النبی (ص):^۱ (وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۶) فرزند هفت سال سرور و آقا است، و هفت سال برده و مطیع و هفت سال وزیر و مشاور است. تقسیم دوران تأدیب به مراحل مختلف از آن جهت است که رشد فکری و روانی و جسمی انسان در سنین مختلف متفاوت است لذا در هر دوره به نوعی خاص از تأدیب نیاز دارد.

الف) دوران کودکی مهم‌ترین و جدی‌ترین زمان شکل‌گیری شخصیت انسان

قسمت عمده ارکان شخصیتی و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی پایه‌گذاری می‌شود. گرچه انسان در تمام دوران زندگی تربیت پذیر است ولی در سنین اولیه آمادگی بیشتری دارد. حس تقلید در کودک قوی بوده و همه‌آهایی که در دور و بر او هستند برای او صورت‌الگو دارند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (سوره انعام، آیه ۲۸) هرگاه برگردانده می‌شدند به آنچه که از آن نهی شدند، دوباره به آن دچار می‌گشتند. از این آیه، چنین استفاده می‌شود که باید از راه تعلیم و تلقین، افراد را به فضیلت عادت دهیم و یکی از بزرگترین اشتباهات آن است که برخی می‌گویند باید کودکان را به حال خود واگذاشت، تا آنها آزادانه و بی‌بند و بار از تمایلات و شهوات پیروی کنند، دلیل آنها این است که باید کودک بر اساس آزادی و استقلال تربیت شود. در پاسخ به آن‌ها باید گفت: اگر چه آزادی در تربیت، تا حدودی بسیار خوب است ولی کمتر کسی پیدا می‌شود که در کودکی آزادانه از تمایلات خود پیروی می‌کرده و در دوران رشد و بزرگسالی هم بتواند تمایلات خود را تعدیل و تنظیم نماید. زیرا این حالت بی‌بند و باری و پیروی آزادانه از تمایلات، در او به صورت ملکه‌ی ساخته‌ی درآمده است و بالاخره بشر مسخر عادات خود می‌باشد و در برابر مأنوسات خود منقاد است. (حجتی. محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، بخش اول، ص ۲۶۴، ۲۶۳) قال امیرالمؤمنین (ع): (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۳) حضرت علی (ع) می‌فرماید: یادگیری علم از کودکی مانند نقش در سنگ است. سال‌های اول کودکی مناسب‌ترین موقعیت برای تربیت است زیرا فطرت دست نخورده و زمینه پذیرش کاملاً مساعد است. حضرت علی (ع) در وصیت به امام حسن (ع) می‌فرماید: (بحار الانوار، ج ۱، ص ۴) صفحه دل کودک مانند زمین مستعدی است که هیچ گیاهی در آن نرویده است و آماده است هر نوع بذری را بپذیرد. قسمت دوم روایت بیانگر تربیت پذیری کودک است. دل کودک همانند زمینی آماده است که اگر بذر خار در آن پاشیده شود خار در آن می‌روید به عبارت دیگر کودک، فردی سرور خواهد شد و اگر بذر گل و گیاه در آن پاشیده شود گل و گیاه در آن می‌روید یعنی کودک، انسانی نیک و صالح خواهد شد.

ب) خانه اولین محیط تأدیب

اولین مدرسه‌ای که کودک در آن پرورش می‌یابد محیط خانه است. همان جایی که کودک در آن جا متولد شده در دامان پر مهر و محبت مادر و مراقبت‌های پدر به یادگیری می‌پردازد. محیط خانه اولین کانون مهم تربیتی است که شخصیت اطفال با

^۱ أَوْلَدُ سَيِّدٍ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ.

^۲ «وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ»

^۳ الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ

^۴ «وَأَمَّا قَلْبُ الْحَدِّثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ»



توجه به اخلاق و رفتار اهل خانه شکل می‌گیرد. تأثیر محیط خانه بر کودک دارای اهمیت خاصی است زیرا کودک در این مرحله بسیار تأثیرپذیر است و قابلیت انعطاف او زیاد می‌باشد. ثانیاً در این دوران کودک بیش از همه اوقات در محیط خانه و با افراد خانواده تماس و برخورد دارد. ساختمان عقلانی کودک از طریق مسموعات و از طریق مشاهدات در خانه نهاده می‌شود. طفل بدون اراده و توجه با محیطی که در آن زندگی می‌کند منطبق شده هر رفتار خوب یا بدی را که می‌بیند سرمشق خود قرار می‌دهد و عملاً از آن پیروی می‌کند.

ج) پدر و مادر نخستین و مهم‌ترین مسئولان تأدیب کودک

سازندگان اولیه کودک پدرها و مادرها هستند. پدر و مادر در جنبه آموزش و سازندگی کودک نقش اساسی و فوق‌العاده مهمی دارند. پدر و مادر اولین و مهم‌ترین مسئولان تأدیب کودک می‌باشند. اگر جامعه بشری و به خصوص پیشوایان دینی برای پدران و مادران عزت و احترامی بس بزرگ قائل شده‌اند. در قبال مسئولیت مقدس و وظائف ارزنده‌ای است که در قبال فرزندان بر عهده دارند. علماء تعلیم و تربیت غالباً عوامل مؤثر در تربیت انسان را دو عامل «وراثت» و «محیط» می‌دانند گر چه اعتقاد به تأثیرات کمی و کیفی این دو عامل مورد اتفاق این دانشمندان نیست. لذا والدین از یک سو عامل وراثت و از سوی دیگر عامل تربیت هستند.

والدین به عنوان عامل وراثت

منظور از وراثت، ویژگیها و خصوصیات است که از پدر و مادر و اجداد به کودک منتقل می‌شوند. بسیاری از خصایص جسمی و روانی کودک مربوط به عامل وراثت است. بعضی گفته‌اند وراثت یعنی همانندی فرع با اصل، عامل انتقال وراثت ژن‌ها هستند که در کروموزومها قرار دارند. هر ژن حامل یک یا چند صفت از والدین و اجداد است. در اثر ترکیب ژن‌ها کودکی با خصوصیات نو و متفاوت از دیگران به وجود می‌آید. «رحم و صفاتی که به ارث منتقل می‌کند به قدری در ساخت کودکان و سعادت و شقاوت فرزندان مؤثر است که می‌توان گفت نیمی از خوشبختی‌ها و بدبختی‌های آدمی مربوط به دوران رحم و نیم دیگر مربوط به طرز تربیت و شرائط محیط زندگی است». (فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۱، ص ۹۱) رسول الله (ص): «(بحار الانوار، جلد ۵، ص ۱۵۷، عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۵) بدبخت کسی است که در شکم مادرش شقاوت دام‌نگیرش شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادر سعادتمند شود. رابطه‌ی مستقیم پدر، با انتقال نطفه پایان می‌یابد ولی مادر در تمام دوران بارداری و حتی بعد از تولد فرزند با او رابطه خونی و وراثتی دارد. بچه در رحم، مانند یک عضو مادر است؛ و همانطور که حالات جسمانی او و موادی که تغذیه می‌کند در جنین اثر می‌گذارد حالات روحی و روانی و اخلاق و افکار او نیز در جسم و جان جنین اثرات مطلوب یا نامطلوب دارد. (امکارم الاخلاق، ص ۱۹۷) امام صادق (ع) می‌فرماید: با خانواده مؤمن و صالح ازدواج کنید، که سجایای اخلاقی از خانواده به فرزند منتقل می‌شود. محمد حنفیه فرزند حضرت علی (ع) است. در جنگ جمل پرچمدار لشکر حضرت بود. حضرت علی (ع) به او فرمان حمله داد. محمد حمله کرد ولی در مقابل ضربات نیزه و تیر از پیشروی باز ماند. حضرت علی (ع) خود را به او رساند و فرمود: از ضربات دشمن نترس، حمله کن. او قدری پیشروی کرد ولی باز متوقف شد. علی (ع) از ضعف فرزند خود سخت آزرده شد. با قبضه شمشیر به دوش او کوبید و فرمود: این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده‌ای. یعنی من که پدر تو هستم ترسی ندارم این ترس از مادرت به تو به ارث رسیده است.

والدین به عنوان عامل تربیت

خانواده و والدین نخستین کسانی هستند که کودک با آن‌ها در تماس است خانواده اولین و مهمترین کانون پرورش صحیح، احیاء و شکوفایی استعداد کودک است. پدر و مادر عاملان تربیت هستند و عالیت‌ترین نقش را در زمینه پرورش و رشد شخصیت او ایفا می‌کنند. «تربیت به اندازه‌ای مهم و مؤثر است که در بعضی از موارد می‌تواند خاصیت صفات موروثی را متوقف ساخته به

^۱ الشَّقَى مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ.

^۲ عَنْ الصَّادِقِ (ع): تَرَوُجُوا فِي الْجِزْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ.



دست فراموشی بسپارد و آثار خاصیت‌های خود را ظاهر کند و افراد را به اقتضای خود بار بیاورد. (فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر تربیت و وراثت، ج ۱، ص ۱۲۵) علی (ع) می‌فرماید: ^۱(غیر الحکم، ج ۱، ص ۴۰۷) بهترین ارثی که پدران می‌توانند به فرزندان خویش بدهند تربیت و ادب صحیح است. طبق این روایت، بزرگ‌ترین سرمایه‌ای که پدر می‌تواند برای فرزند خود ارث بگذارد سرمایه‌های تربیتی و اخلاقی است که فرزند او می‌تواند با این سرمایه عمری را با عزت و محبوبیت زندگی کند. پیامبر اکرم (ص) درباره وظایف والدین می‌فرماید: ^۲(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸) به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آن‌ها معاشرت کنید. اهمیت این وظیفه به هنگامی روش‌تر می‌شود که دریا بیم آنچه کودک در خانواده می‌آموزد اساس زندگی و تلاش او را در آینده تشکیل می‌دهد، چشمان ظریف کودک همانند دوربین حساس فیلمبرداری از همه حرکات و رفتار والدین فیلمبرداری می‌کند و رفتار خوب یا بد آن‌ها را تقلید می‌کند. پدر و مادر موظف هستند به تناسب فهم و استعداد کودک، خوبی‌ها را به او بیاموزند و در انجام کارهای نیک تشویقش کنند. بدی‌ها را به او بفهمانند و از ارتکاب آن‌ها بر حذرش دارند. «خشت اول بنای تربیت، در خانواده گذاشته می‌شود. بسیاری پدران و مادرانی که به جای فرزند می‌خواهند بنده داشته باشند و چنان با قلدری و استبداد، با فرزندان خود رفتار می‌کنند که باعث خمودی آن‌ها می‌شوند. طفلی که در خانه، فرصت اظهار وجود و اظهار شخصیت و استعدادهای خود ندارد، خیلی مشکل است که بتواند در جامعه خودش را از این بدبختی رها بکند. باید تا آنجایی که ممکن است در خانه به او آزادی داده شود، تا در فضای باز آزادی - که حرکتی است در خط زندگی انسانی - بتواند استعدادهای خود را به فعلیت برساند». (بهشتی، احمد، تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۷۱)

د) دوران دبستان و مراحل مقدم بر آن دومین محیط تأدیب

پس از محیط خانه، مدرسه رسالت بزرگی را در تربیت و پرورش کودک بر عهده دارد. در شکل‌گیری و تشکیل عادت و کیفیت معلومات و تجربیات، مدرسه از جهاتی مهم‌تر از خانه است. کودک و نوآموز مانند گیاه نوری است که برای رشد و نمو به حمایت و مراقبت نیازمند است تا بتواند در مقابل آفات و مفسد مبارزه نماید. مدرسه اولین نهاد اجتماعی است که کودک بعد از خانه گام در آن می‌نهد. «مدرسه محیط اجتماعی جدی‌تر و وسیع‌تر از خانواده است کودک در این محیط می‌کوشد نیروهای خود را بیشتر به کار اندازد تا بتواند با محیط و دیگر بچه‌ها همگامی و همراهی بهتری داشته باشد. البته وقتی از مدرسه و تأثیر آن در کودک سخن می‌گوییم مرادمان همه جهات و همه جنبه‌هاست؛ و همه افرادی است که در مدرسه به نوعی مشغول فعالیت هستند» (ادیب، علی محمدحسین، راه و روش تربیت، ص ۲۳)

نقش و جایگاه معلم در تأدیب در همه ابعاد آن

همانطور که بیان شد مدرسه یکی از عوامل مهم تربیت است که در تکوین شخصیت کودک و قوام بخشیدن تربیت او نقش مؤثر دارد. فضای مدرسه زیر پوشش عناصر گوناگونی قرار دارد که همه آن‌ها می‌توانند برای کودک الگو و سرمشق باشند. ولی از بین کسانی که فضای مدرسه را پوشش می‌دهند معلم از نظر تربیتی نقش اساسی دارد و هیچ عنصری از عناصر مدرسه نمی‌تواند همانند معلم و به اندازه او الگوساز باشند. «حضرت امام (ره) در این باره خطاب به معلمین می‌فرمایند: تعهد داشته باشید به احکام اسلام و اخلاق اسلام و اعمال اسلامی، باید خود شما الگو باشید. برای این که بچه‌ها با عمل شما تربیت بشوند و شما دعوت کنید آن‌ها را با عمل خودتان به اسلام و اخلاق و اعمال اسلامی.» (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۵۲) پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: ^۳(تفسیر روح البیان، ج ۱، ص ۱۰۴) گاهی بر اثر عوامل مؤثر دیگر سعید، شقی و بدبخت می‌گردد و شقی و بدبخت، خوشبخت و رستگار می‌شود. مربی، فقط معلم و آموزگار نیست، بلکه اسوه تربیت و اخلاق، الگوی عملی برای تربیت

^۱ خَيْرُ مَا وَرَثَ الْاَبَاءُ الْاَبْنَاءُ الْاَدَبُ

^۲ «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدَابَهُمْ»

^۳ «السَّعِيدُ قَدْ يَشْقَى وَ الشَّقِيُّ قَدْ يَسْعُدُ»



پذیر است و از این رو باید میان تربیت کننده و تربیت شونده نوعی رابطه‌ی روحی، معنوی و عاطفی برقرار باشد تا بتواند وی را فردی مؤمن و آراسته به فضائل بار آورد. نقش معلم از نظر تربیتی به قدری حساس و با اهمیت است که امام علی (ع) فرمود: **(بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۶)** کسی که خود را در مقام رهبری مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش اقدام و تأدیب او به عملش پیش از تأدیب به وسیله زبانش باشد. کسی که معلم و ادب کننده خویش است به احترام سزاوارتر است از کسی که (فقط) معلم و مربی مردم است. خلاصه و در یک کلام، معلم حقیقی با گفتار و کردارش به شاگردان خویش، چگونه اندیشیدن چگونه انتخاب کردن و بالاخره چگونه زیستن را می‌آموزد. بنابراین اولیاء و والدین باید آگاه باشند که فرزندان معصوم و گل‌های پاک خود را به دست چه کسانی می‌سپارند و خمیر مایه وجودی خود را از ابتدا در اختیار چه کسی قرار می‌دهند.

روش‌های تأدیب کودک در اسلام

(الف) زمینه سازی تأدیب در خانه (اجرای آداب ولادت) و حفظ محیط از همه جنبه‌ها

۱- گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

از امام صادق (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: **(و سائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۶)** هرکس صاحب فرزندی شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید تا کودک از شرّ شیطان محفوظ بماند. و دستور فرمودند: همین عمل را درباره امام حسن (ع) و امام حسین (ع) اجرا سازند، علاوه بر آن، دستور دادند سوره حمد و آیه الکرسی و آیه‌های آخر سوره حشر و سوره‌های اخلاص و فلق و ناس را در گوش آن‌ها بخوانند. این عمل هرچند ظاهراً طفل چیزی از آن درک نمی‌کند ولی قطعاً تأثیر عمیقی در روح او می‌گذارد. آزمایش‌ها نشان داده‌اند که طفل از روزهای اول تولّد شروع به یادگیری می‌کند و حتی سخن گفتن با او به یک زبان خارجی زمینه را برای تسریع در فراگیری او در سنین بعدی فراهم می‌کند. گویا ذهن و مغز کودک با این صداها مأنوس و آشنا می‌شود و بعدها امر فراگیری را برای او آسان‌تر می‌سازد. ذکر اذان و اقامه پس از تولّد گوش طفل را با آوای دلنشین توحید آشنا ساخته فطرت الهی او را سیراب و برای قرار گرفتن در شاهراه سعادت آماده‌تر خواهد کرد.

۲. مراسم تحنیک

منظور کام گرفتن از نوزاد است در اسلام بر اساس سنت از آب یا چیزی شیرین و پاک کام طفل را می‌گیرند. پیامبر کام نوه‌اش حسین بن علی (ع) را با شیرینی خرما گرفت. در بعضی از روایات توصیه شده که کام طفل را با تربت امام حسین (ع) و یا با آب فرات بگیرند و اگر ممکن نبود با آب باران یا خرما این امر انجام شود. امام صادق (ع): **(المستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۸)** امام صادق (ع) فرمود: کام فرزندان خود را با تربت حسین بن علی (ع) بردارید که مایه‌ی ایمنی کودک خواهد بود. این نخستین غذا و یا ماده‌ای از این جهان است که کام و دهان طفل مستقیماً با آن آشنا می‌شود. بدین ترتیب نوزاد از ابتدای زندگی از اثرات معنوی تربت کربلا بهره‌مند شده درس فداکاری در راه اهداف عالی در اعماق قلبش نفوذ خواهد کرد؛ و این کار زمینه‌ای برای پیدایش محبت به اهل بیت خواهد بود؛ و والدین هم با این عمل متوجه خواهند شد که باید از کودکی درس دینداری و استقامت در مقابل ظلم و فداکاری که جزو برنامه دینی و اسلامی است را به کودکان خود آموزش دهند؛ و او را انسان آزاده‌ای که زیر بار ظلم نمی‌رود و در راه هدف از بذل جان خود دریغ نمی‌کند بار آورند.

۳. ختنه نوزاد پسر

^۱ مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلَيْسَ بِهِ نَفْسٌ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانٍ وَلْيُقِمِّ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

^۲ «مَنْ وَلَدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانٍ وَلْيُقِمِّ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».

^۳ حَتَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِرَبِّهِ الْحُسَيْنِ (ع) فَإِنَّهُ أَمَانٌ.



ختنه سنتی برای مردان است. در اهمیت آن باید گفت اگر این امر توسط والدین انجام نشد پس از رسیدن به بلوغ بر خود فرد واجب می‌شود. علی (ع) از پیامبر (ص) چنین نقل می‌کند: **(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۹)** نوزادان خود را روز هفتم تولد ختنه کنید چون این کار برای نوزاد پاکیزه‌تر و در تسریع رشد او مؤثرتر است. رعایت این سنت تنها اختصاص به اسلام ندارد بلکه در مذهب یهود نیز موجود است. عمل ختنه از نظر بهداشتی دارای اهمیت زیادی است که عدم آن موجب بیماری‌هایی در فرد می‌شود. در دعاها نیز برخی فلسفه‌های آن، چون عاملی برای زیادتی عمر، دوری از آفات و بیماری‌های جسمی و دردهای بدنی ذکر شده است.

۴. تراشیدن موی سر نوزاد

یکی دیگر از سنت‌های اسلامی تراشیدن موی سر نوزاد است که مستحب است در روز هفتم بعد از تولد نوزاد انجام شود. امام صادق (ع) از پدرانش چنین روایت می‌کند: **(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۲)** پیامبر (ص) دستور داد تا سر نوزاد در روز هفتم تولد تراشیده شود. در برخی روایات توصیه شده است که هم وزن موی کودک طلا صدقه داده شود.

۵. عقیقه

در مورد نوزاد توصیه شده است که روز هفتم تولد کودک در راه خدا گوسفندی را قربانی کنند و گوشت آن را بین همسایه‌ها و فقرا و آشنایان تقسیم نمایند. این عمل زمینه ساز پیوندهای نیکوی اجتماعی و مقدمه‌ای برای پذیرش طفل از سوی جامعه است، علاوه بر این آثار معنوی پربرکتی در سلامت روحی و جسمی کودک به همراه دارد. امام صادق (ع) به نقل از پدرانش از رسول خدا (ص) می‌فرماید: **(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۴۰)** سلامتی هر نوزادی در گرو عقیقه اوست خواه والدین عهده نوزاد را از عقیقه آزاد کنند یا نه. عقیقه بیمه سلامتی کودک است. پیامبر در روز هفتم تولد امام حسن (ع) برای او دو گوسفند عقیقه کرده و عده‌ای را اطعام نمود. به هنگام عقیقه دعا‌های مختلفی وارد شده که مستحب است خوانده شود از جمله همان دعاهایی که در روز عید قربان به هنگام ذبح خوانده می‌شود و در آخر آن نام کودک برده می‌شود و از خدا می‌خواهیم این عقیقه را از کودک بپذیرد و در سایه این عقیقه کودک را به سلامت نگه دارد و در پناه آل محمدش قرار دهد.

۶. انتخاب نام نیکو

یکی از حقوق دینی فرزند بر والدین، انتخاب نام نیکو برای اوست. در روایات اسلامی به این امر مهم تأکید فراوانی شده است. **(مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۸)** یکی از حقوق فرزند بر پدر اینست که نام خوبی برای او بگذارد و به بهترین نحو تربیتش کند. «یکی از مظاهر مهم هر انسانی، اسم و نام خانوادگی اوست. همانطور که عکس هرکس وسیله‌ی جلوه‌ی صاحب عکس در اذهان مردم است، اسم هر شخصی نیز حاکی از صاحب اسم و مجرای ظهور او است همان‌طور که آدمی از زیبایی عکس خود لذت می‌برد و از بدی عکس، رنجیده خاطر و آزرده می‌شود از نام قشنگ هم مسرور می‌شود و از اسم و نام خانوادگی بد، رنج می‌برد. عکس بد را می‌توان پاره کرد و به آسانی محو نمود ولی تغییر اسم و نام خانوادگی بد، بسی دشوار و مشکل است. کسانی که اسم، نام خانوادگی و لقب زیبا و قشنگی دارند با کمال گشاده روئی و بدون کمترین احساس حقارت آن را می‌گویند». **(فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر تربیت و وراثت، ج ۲، ص ۲۲۴)**

ب) روش‌های غیر مستقیم تأدیب

۱. روش الگویی

۱ «إِخْتَنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَ أَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ»

۲ «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَمَرَ بِحَلْقِ شَعْرِ الصَّبِيِّ الَّذِي يُولَدُ بِهِ الْمَوْلُودُ عَنْ رَأْسِهِ يَوْمَ سَابِعِهِ».

۳ «كُلُّ مَوْلُودٍ مَرَّتَيْنِ بِعَقِيقَتِهِ فَكُهُ وَالِدَاهُ أَوْ تَرَكَاهُ»

۴ قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ حَقَّ الْوَلَدُ عَلَى الْوَالِدَيْنِ يُحْسِنُ اسْمَهُ وَ يُحْسِنُ أَدَبَهُ.



یکی از مؤثرترین روش‌های تأدیبی، روش الگویی است. در این روش به جای این که نکات تربیتی را از راه گفتار و پند و مؤظه به کودک بیاموزیم. سعی می‌کنیم با اعمال و رفتار خود و به طور غیر مستقیم به تأدیب و آموزش او بپردازیم. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹۸» با کردار و رفتار خود مردم را دعوت کنید نه با زبان. گزینه تقلید یکی از نیرومندترین و ریشه دارترین غرایز انسانی است. چشم و گوش کودک همانند دریچه‌ای باز است. ذهنش همچون آینه‌ای است که هر چیزی در آن منعکس می‌شود با این تفاوت که آینه تصویر منعکس شده را در خود نگه نمی‌دارد ولی ذهن کودک آن را در خود ضبط و ثبت می‌کند. به برکت وجود همین گزینه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، طرز تکلم، امانت، صداقت و ... را از پدر و مادر می‌آموزد. با توجه به نقش الگویی والدین در شکل بخشیدن به افکار و عواطف کودک ضرورت اصلاح رفتار و کردار و گفتار آن‌ها به خوبی روشن می‌شود. به گفته بزرگی اگر والدین بدانند مسئول چه انحراف و سیه روزی هائی برای کودکان خود هستند دیوانه می‌شوند. پدران و مادرانی که به کودکان و سرنوشت آن‌ها علاقه‌مند هستند باید سعی کنند ابتدا خود و محیط زندگی‌اشان را اصلاح کرده خودشان طوری رفتار کنند که دوست دارند فرزندشان آنگونه باشند؛ و خواسته‌های تربیتی را ابتدا در خود مجسم و آشکار کنند و چون جلوگیری از تقلید بسیار دشوار است، اولیاء باید برای فرزندانشان بهترین نمونه و الگو باشند. «میزان ضرورت در تعیین این کنترل به حدی است که دائماً باید در ارزیابی و تجدید نظر در شیوه رفتار خود باشند و همه گاه برایشان این یقین حاصل باشد که در ست می‌اندیشند و نیکو رفتار می‌کنند.» (بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹۸)

۲. روش محبت

محبت نیاز اساسی و طبیعی هر انسان بالاضحی کودکان است. انسان تشنه محبت است، محبت حیاط بخش دل‌هاست. بررسی‌های متعدد ثابت کرده است که محبت مهم‌ترین عامل سلامت روح کودک و عدم آن موجب ناهنجاری‌های روانی است. پیامبر (ص) در مورد محبت به کودکان می‌فرماید: «الکافی، ج ۶، ص ۴۹» کودکان خود را دوست بدارید و نسبت به آنها مهربان باشید و به وعده‌ای که به آن‌ها داده‌اید وفا کنید. آنان جز شما را روزی دهنده خود نمی‌دانند. کودکان برای تقویت عزت نفس و رشد شخصیت خود باید عشق و محبت پدر و مادر را نسبت به خود احساس کنند. همان طور که یک خانه روی پی بنا می‌شود پایه و اساس عزت نفس در کودکان نیز عشق ورزیدن به آن‌هاست. خانه‌ای که بر روی پایه ناپایدار بنا شود متزلزل خواهد بود. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲» فرزندان خود را زیاد ببوسید. زیرا با هر بوسه، برای شما مقام و مرتبتی در بهشت، فراهم می‌شود که فاصله میان هر مقام، پانصد سال است. بوسیدن کودک امری است که نیاز او را به محبت سیراب می‌کند از طرفی کودک نیز متقابلاً می‌خواهد عاطفه خود را نشان دهد و این کار را گاهی با بوسه‌های گرمی که به گونه‌های پدر و مادر می‌زند بروز می‌دهد. «مقصود ما از محبت متقابل علاقه‌مندی فرزند است به اینکه مورد محبت دیگران باشد و خودش نیز محبت کند. این نیاز هم مثل سایر نیازهای روحی در طبیعت فرزند ریشه‌دار می‌باشد؛ و از جمله نیازهای است که رسالت بزرگی را در سازندگی و تکمیل شخصیت او دارد، به ویژه در دوره‌های نخستین نیاز به محبت متقابل در کودکان به شکل علاقه به بوسه‌های پدران و مادران و نزدیکان و در آغوش کشیدن آنها ظاهر می‌شود. لذا می‌بینیم که رسول خدا (ص) این مربی بزرگ بشریت پدران را در ارضای این میل روحی که در کودکان است وادار می‌کند، و به آن‌ها دستور می‌دهد که نسبت به فرزندانشان مهرورزی نمایند، و قلب آن‌ها را سرشار از محبت خود سازند. کما اینکه خود آن حضرت نسبت به علی (ع) در آن هنگام که کودک بود و نسبت به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) این روش را داشت.» (ادیب، علی محمد حسین، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، ص ۲۸۶، ۲۸۵)

۱ کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بَأْسَتِكُمْ

۲ أَحِبُّو الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئاً فَفُؤَالَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَزِرُّ قُلُوبَهُمْ

۳ «أَكْثَرُوا مِنْ قَبْلِهِ أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَةٍ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ».



۳. روش تکریم شخصیت

یکی از سرمایه‌های فطری که در باطن هر انسان به ودیعه نهاده شده است غریزه حبّ ذات است. هر انسانی قبل از هر چیز و هر کس به خود علاقه دارد. حبّ ذات یکی از اساسی‌ترین پایه‌های تربیت کودک است. که اگر عاقلانه و با برنامه صحیح رهبری شود منشأ سعادت و اگر درست رهبری نشود بدبختی برای فرد به بار می‌آورد. (ادیب، علی محمد حسین، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، ص ۳۰۰) هر کس که نفس خویش را کوچک بشمارد از شرّ او در امان نباشد. کودکان در هر سنی که باشند برای خود شخصیت و احترام قائلند دوست دارند به شخصیت آن‌ها توجه شود و مورد احترام و تکریم قرار گیرند. لذا «بزرگ خانواده باید نسبت به خرد سالان مهر ورزد و خرد سالان باید به بزرگترها احترام گذارند و از آنان تجلیل کنند. رعایت این آداب فضای خانه را آکنده از فضیلت‌ها و ارزش‌های انسانی خواهد نمود که موجب رشد رفتار کامل در روح کودک می‌گردد و او را به همکاری با افراد خانه و اجتماع سوق می‌دهد». (القرشی، باقر شریف، نظام تربیتی اسلام، ص ۵۱) رسول گرامی اسلام (ص) این برنامه بزرگ را در یک عبارت کوتاه بیان فرموده است و اجرای آن را به پیروان خود دستور داده است. (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸) به فرزندان خود احترام کنید و با آداب و روش‌های پسندیده با آن معاشرت کنید. پیامبر گرامی اسلام علاوه بر توصیه‌هایی که درباره احیاء شخصیت کودکان و پرورش صحیح آنان به پیروان خود می‌فرمود اصول تربیتی را عملاً درباره فرزندان خود به کار می‌بست. پیامبر اسلام از ابتدای کودکی همواره مراقب کودکان خویش بود و قدم به قدم آنان را در راه پرورش فضائل انسانی رهبری می‌فرمود و هر زمان به تناسب درجه تکامل روحی به آنها احترام و تکریم می‌کرد. و علاوه بر توجه به تربیت فرزندان خود به پرورش دیگر کودکان هم عنایت ویژه داشت و تا آنجا که می‌توانست در رشد شخصیت و تعالی روانی کودکان امت خود کوشش می‌کرد و همیشه و همه جا با کودکان مدارا و مهربانی می‌کرد. (علی (ع): **أغزر الحكم، ص ۴۳۶**) حضرت علی (ع) می‌فرماید: با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن گوید، تا او نیز به شما با احترام پاسخ دهد. کودکی که مورد احترام پدر و مادر قرار گیرد از رفتار آنان الگو برداری کرده و به پدر و مادر و دیگران احترام می‌گذارد. متأسفانه بعضی از اولیاء بر خلاف تعالیم عالیه اسلام، آن طوری که طبیعت کودکان اقتضاء می‌کند شخصیت و روح حساس آنان را در نظر ندارند و هنوز آنها را به عنوان یک عضو رسمی جامعه نمی‌شناسد و به اشکال مختلف اسباب اهانت به شخصیت آنان را فراهم می‌کنند.

ج) به کارگیری روش‌های مستقیم تأدیب

یکی از روش‌های تأدیب کودک روش موعظه و نصیحت است. موعظه و نصیحت سفارش و توصیه دیگران به کارهای نیک و تذکر و توجه دادن مخاطب به یافته‌های وجدانی فراموش شده خود است. (سوره نحل ۱۶، آیه ۹۰) موعظه برای پرورش روح آدمی امری ضروری و مؤثر است. آدمی به گونه‌ای ساخته شده است که ارشاد را بهتر از امر و نهی می‌پذیرد. (سوره آل عمران ۳، آیه ۱۳۸) این کتاب بیان برای مردم و هدایت و موعظه برای پرهیزکاران است و در جای دیگر می‌فرماید: (سوره یونس ۱۰، آیه ۵۷) ای مردم از جانب خدا برای شما موعظه آمده و شفا‌ی دل‌های شما و هدایت و رحمت برای مؤمنین است. اولیاء و مربیان، مصلحان و مسئولان جامعه می‌باید از این روش در تربیت کودکان سود جویند.

۱ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (ع) قَالَ: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنَ شَرَّهُ

۲ «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسَنُوا أَدَابَهُمْ»

۳ أَجْمِلُوا فِي الْخُطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ.

۴ «يَعْظُمُ لِعَلَّكُمْ تَذَكُّرُونَ»

۵ «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»

۶ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»



تبشیر یعنی بشارت دادن در قبال کارهای نیک. تشویق در واقع نوعی پاداش است در مقابل کارهای نیک و عبارت است از به کارگیری روشی که فرد را به کار نیک وادارد و یا نیکوکاران را در انجام کارهایشان دلگرم‌تر و کوشا تر سازد. به طور کلی هدف و اصل در تربیت دینی، افزایش و گسترش رفتارهای مطلوب و کارهای نیک و کاهش و از بین بردن رفتارهای نامطلوب است و این مهم محقق نمی‌شود مگر از طریق بکار بردن تقویت‌کننده‌ها به طریق صحیح و مناسب. «تشویق برخلاف تنبیه که عوامل بازدارنده است، از عوامل وادار کننده است و در حقیقت به انسان نیرو و انرژی می‌دهد. شخصی که تشویق می‌شود از کار و زحمت خود احساس رضایت می‌کند و همین رضایت خاطر است که جلوی خستگی و بی میلی او را می‌گیرد و بسا که هیچگونه رنج و مشقتی او را خسته و وامانده نمی‌کند». (بهشتی، احمد، تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۱۸۲، ۱۸۳) (مستدرک ج ۲، ص ۶۲۶) رسول اکرم (ص) فرمود: پدری که با نگاه مودت آمیز خود فرزند خویش را مسرور می‌کند خداوند به او اجر یک بنده آزاد کردن عنایت می‌فرماید. تحسین به موقع یکی از بهترین وسائل مسرور کردن کودک است و این امر در نظر اسلام، صرف نظر از فوائد تربیتی، باعث نیل به اجر اخروی و پاداش الهی است. «فلسفی، محمد تقی، کودک (از نظر وراثت و تربیت)، ج ۲، ص ۳۴۲، ۳۴۸» تشویق نیکوکاران روش منطقی و معقولی زیرا اگر نیکوکار و بدکار از نظر جزا یکسان باشند زمینه جهت بی رغبتی نیکوکاران به کارهای نیک فراهم می‌شود و بدکاران هم بر ادامه بدی جرأت پیدا می‌کنند.

یکی از وظایف پدر و مادر مسلمان تشویق فرزندان به عبادات و کارهای نیک است و تشویق و ترغیب دو شیوه خاص دارد. نخستین شیوه آن است که والدین با کردار و عمل خود مشوق فرزندان نشان برای انجام فرائض دینی و کارهای نیک باشند. آنچه که والدین در جنبه عمل مذهبی انجام می‌دهند همان پایه‌های عملی و فکری و رفتار مذهبی برای کودک می‌شود. بر این اساس والدینی که خواستار عمل مذهبی کودک، آنهم به نحوه صحیح و استوار آن هستند باید با عمل و کردار خود عملاً فرزندان‌شان را تشویق به انجام اعمال مذهبی نمایند. خداوند در قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف بندگان صالحش را مورد تشویق و تمجید قرار داده است. مثلاً حضرت ایوب را به پاس صبر و پایداری‌اش در مقابل رنج‌ها مورد تمجید قرار داده می‌فرماید: «سوره ص ۳۸، آیه ۴۴» ما او را صابر یافتیم، بنده خوبی است، او توجهش به درگاه ما بود. به طور کلی هدف و اصل در تربیت دینی، افزایش و گسترش رفتارهای مطلوب و کارهای نیک و کاهش و از بین بردن رفتارهای نامطلوب است و این مهم محقق نمی‌شود مگر از طریق بکار بردن تقویت‌کننده‌ها به طریق صحیح و مناسب. در روان‌شناسی اگر هر رفتار مطلوبی با یک پیامد و نتیجه خوشایند همراه یا به دنبال آن یک پاداش داده شود می‌گویند آن رفتار تقویت مثبت شده است که نتیجه آن تقویت و استمرار آن رفتار مطلوب است. بنابراین استفاده از تشویق بهترین راه ایجاد، استمرار، تقویت رفتارهای مطلوب است. گاهی اوقات کودک رفتاری را به طور تصادفی انجام می‌دهد و بعد منتظر عکس‌العمل والدین می‌ماند اگر والدین با اعمال کودک مسئولانه برخورد کنند کار درست را تأیید و تشویق کنند کودک می‌آموزد که چه رفتار و کارهایی را تکرار کرده و ادامه دهد.

انذار یعنی بر حذر داشتن و اعلام خطر درباره عواقب سوء اعمال ناپسند. تنبیه یعنی بیدار کردن، هوشیار ساختن، آگاه کردن، واقف کردن، مجازات کردن، ادب کردن (به وسیله کتک و غیر آن) و جمع آن تنبیهات است. (فرهنگ معین، دکتر محمد معین، ج ۱، ص ۱۱۴۸) «سوره بقره ۲، آیه ۱۷۹» ای صاحبان فکر و اندیشه در امر قصاص و مجازات متخلف حیات و زندگانی شما پیش بینی و ضمانت شده است. به عبارتی حیات و استمرار زندگی شما به قصاص و مجازات مجرمان بستگی دارد اگر در جامعه مجرم و جانی را قصاص کردید حیات برای شما تضمین شده است و گرنه امنیت و آسایش از جامعه شما رخت بر

۱ قال رسول الله (ص): اذا نظرَ الوالدُ إلى ولده فسره كان للوالدِ عتقُ نسمةٍ.

۲ «إنا وجدناه صابراً نعم العبدُ إنه أواب»

۳ «ولکم فی القصاصِ حیاةٌ یا ولیّ الکتاب»



می‌بندد. منتهی در اسلام، برای هر جرم و انحراف، تنبیه و مجازاتی مناسب با آن جرم و انحراف در نظر گرفته شده است. کیفر قتل، قصاص و مجازات سرقت قطع دست سارق و مجازات شرب خمر، زدن تازیانه به شخص میخواره است. تنبیه‌ها و مجازات‌هایی که اسلام برای مجرمین مقرر کرده است سه نوع می‌باشد: ۱- تنبیه‌های غیر بدنی مانند تهدید و انذار مجرمین از عقوبت‌های دنیوی و اخروی ۲- تنبیهات و مجازات‌های محدود بدنی: مانند حدود - قصاص و دیات ۳- تعزیرات که از نوع تنبیهات بدنی هست ولی تعیین مقدار آن بر عهده حاکم شرعی است ولی بهر حال باید از حدّ کمتر باشد. عقل انسان در مورد حسن و قبح اشیاء و تشخیص اخوب از بد به عنوان یک منبع اجتهادی مطرح است؛ و چیزی را که عقل تأیید کند شرع هم آن را می‌پذیرد. این یک قاعده فقهی است که به قاعده حسن و قبح عقلی مشهور است. عقل در اصطلاح، نیکی‌ها و زیبایی‌ها را حسن و بدیها و زشتی را قبیح می‌داند. حال باید ببینیم که تنبیه آیا از نظر عقل حسن است یا قبح؟ جرلی بنتام فیلسوف سودانگار انگلیسی می‌گوید: «درد شرّ است و اعمال تنبیه نیز ضرورتاً شرارت است. چرا که پی آمد تنبیه، چیزی جز درد نیست». (عطاران، محمد، آراء مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، ص ۶۷)

هدف اسلام از تنبیه و مجازات مجرم، تهذیب اخلاق مجرم، بازداري از تکرار جرم، حمایت از امنیت اجتماعی و به وجود آوردن جامعه سالم، حفظ جان و مال و ناموس مردم از تجاوز و مفاسد اجتماعی و جلوگیری از سقوط مردم در پرتگاه‌های رذایل اخلاقی است. اسلام با تشریع قصاص و حدود و تعزیرات و مجازات مجرمین، افراد دیگر جامعه را زیر حمایت خود قرار می‌دهد و از تکرار جرم و هرج و مرج جلوگیری می‌کند. (سوره بقره ۲، آیه ۱۷۹) ای صاحبان خرد در امر قصاص و مجازات متخلف حیات و زندگی شما پیش‌بینی شده است. (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹) حضرت علی بن الحسین (ع) در تفسیر این آیه می‌فرمایند: ای امت محمد در قصاص حیات است. زیرا شخصی که قصد کشتن دیگری را داشته باشد اگر بداند بعد از کشتن مورد قصاص قرار می‌گیرد از ارتکاب قتل خودداری خواهد کرد. در این صورت هم حیات شخص مورد سوء قصد حفظ شده، هم حیات شخصی که قصد کشتن او را داشت. حیات سایر مردم نیز حفظ می‌شود. زیرا وقتی دیدند که شخص قاتل قصاص می‌شود آنان نیز جرأت ارتکاب به قتل پیدا نمی‌کنند.

همانطور که اشاره شد در نظام تربیتی اسلام تنبیه اولین و تنها راه کنترل نیست. بلکه وسیله‌ای احتیاطی و آخرین روش تربیتی است. هنگامی که همه روش‌ها و راه‌هایی چون ارشاد و نصیحت، تشویق و تحسین و مدارا بی نتیجه مانده است و تربیت شونده هنوز به راه مستقیم رهنمون نشده است از تنبیه به عنوان آخرین روش استفاده می‌شود. در اینجا مراحل تنبیه غیر بدنی اختصاراً نام برده می‌شود. ۱- آگاهی همراه با کنایه و اشاره مبهم ۲- تغافل ۳- چهره در هم کردن و قهر کردن ۴- محروم کردن از برخورداریها

جهان امروز از نظر علمی و تربیتی زدن کودکان و آسیب رساندن به بدن آنان را به منظور ادب یا مجازات، نادرست تلقی نموده و تقریباً در همه کشورها از این کار جلوگیری شده است. بعضی تصور می‌کنند تنها در عصر ما به اهمیت این موضوع توجه شده است در حالی که این موضوع در اسلام سوابق زیادی دارد. فردی از فرزندش به موسی ابن جعفر (ع) شکایت کرد. امام (ع) فرمود: (الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۹) او را زن، واز او قهر کن، ولی قهرت طولانی نشود. اساس تربیت بر هدایت و آگاهی دادن است نه کتک زدن و ضرب و شتم و اسلام تنبیهات بدنی را نکوهش کرده است. حضرت علی (ع) در وصیت به امام حسن

۱ «كَلِّمًا حَكَمَ بِهِنَّ الْعَقْلَ، حَكَمَ بِهِنَّ الشَّرْعَ وَ كَلِّمًا حَكَمَ بِهِنَّ الشَّرْعَ، حَكَمَ بِهِنَّ الْعَقْلَ»

۲ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

۳ عن علی ابن الحسین (ع) فی تفسیر قوله تعالی «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ...» الْآیَةِ وَ لَكُمْ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ لِأَنَّ مِنْ هُمْ بِالْقَتْلِ فَعَرَفَ أَنْ يَقْتَصَ مِنْهُ فَكَفَّ لَذَلِكَ عَنْ الْقَتْلِ، كَانَ حَيَاةً لِلَّذِي هُمْ بِقَتْلِهِ وَ حَيَاةً هَذَا الْجَانِي الَّذِي ارَادَ أَنْ يَقْتُلَ، وَ حَيَاةً لِغَيْرِ هُمَا مِنَ النَّاسِ إِذَا عَلِمُوا أَنَّ الْقِصَاصَ وَاجِبٌ لَا يَجْسُرُونَ عَلَى الْقَتْلِ مُخَالَفَةً الْقِصَاصِ.

۴ «لَا تَضْرِبْهُ وَ أَهْجُرْهُ وَ لَا تُطْلَ»



(ع) می‌فرمایند: (اعلام‌الدین، ص ۲۸۸) پندپذیری عاقل به وسیله ادب و تربیت است و حیوانات و چهارپایان تنها با کتک و زدن تربیت می‌شوند.

حکم فقهی تنبیه بدنی در اسلام در مواردی که ضربه به بدن موجب سرخ یا کبود و یا زخمی شدن شود ثبوت دیه است.^۲ (مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۵۵) از جمله و صایای پیامبر به حضرت علی (ع) این بود که فرمود: «برای تنبیه بیش از سه ضربه نزن زیرا اگر چنین کردی روز قیامت قصاص خواهی شد. اگر اولیاء و مربیان، کودک را به گونه‌ای تنبیه بدنی کنند که صورتش سرخ شود باید یک مثقال و نیم شرعی طلا (هر مثقال ۱۸ نخود است) و اگر کبود شود ۳ مثقال و اگر سیاه شود ۶ مثقال شرعی طلا بدهند و اگر جای دیگر بدن کودک را به واسطه زدن سرخ یا کبود و یا سیاه کنند نصف مقدار طلایی که گفته شد باید بپردازند و این حکم فقهی است که در مورد بزرگسالان هم صادق است. پدران و مادرانی که فرزندان خود را در کودکی کتک زده‌اند به طوری که دیه واجب شده است مدیون هستند و باید دیه را به فرزندان خود بپردازند یا آنان را در بزرگسالی راضی کنند که آن را ببخشند.

محتوی و اهداف رفتاری

الف) پرورش ایمان و روح عبودیت و درونی شدن رفتار دینی

دوران کودکی بهترین و مناسب‌ترین زمان اثرگذاری در عقل و اندیشه و روح و روان است پرورش عواطف ایمانی و اخلاقی و تربیت دینی کودکان از همان ابتدای تولد آغاز می‌شود. بذر هویت دینی و معنوی انسان در دوره کودکی کاشته می‌شود و با گذشت زمان و رشد سنی کودک شاخ و برگ و میوه و ثمر می‌دهد. «حسّ مذهبی ذاتاً وجود دارد؛ و باید تربیت شود؛ و چنان که پیش از این نیز گفتیم لازم است. در غیر این صورت، حسّ مذهبی، چون محو نمی‌شود، به فساد می‌گراید. توضیح اینکه حسّ مذهبی را به وسیله عقاید محکم و درست، باید راهنمایی کرد، و روشنی و صراحت بخشید؛ تا خود را به نمایاند و مشخص سازد؛ والا اسیر خرافات و عقاید پست خواهد گشت». (مظلومی، رجبعلی، گامی در مسیر تربیت اسلامی، (کودکی تا بلوغ)، ص ۲۲۶) «بر پدر و مادر مسلمان فرض است که روح عبادت و دیانت را در فرزندان خود پروراند، آنان را با پایه‌های استوار آئین اسلام آشنا سازند و زمینه‌های پذیرش افکار انحرافی و الحادی را در آنان محو نمایند». (القرشی، باقر شریف، نظام تربیتی اسلام، ص ۱۰۹)

ب) پرورش اخلاق فردی و اجتماعی

همانطور که سلامت جسم کودک مورد توجه است سلامت عواطف و روحیات و اخلاقیات او نیز باید مورد توجه باشد. «نقش عواطف در وجود ما این است که به ما نیروی حرکت بدهد اگر انسان را به ماشین تشبیه کنیم متوجه می‌شویم که ماشین، در حرکت خود نیاز به بنزین و برق و گاز و دنده و... دارد. چیزهای دیگری مثل فرمان و ترمز هم وجود دارند که کنترل کننده حرکت ماشین هستند و از حرکات نامطلوب و زیانبخش آن جلوگیری می‌کنند. این محبت است، این عداوت است، این عشق است که انسان را به حرکت در می‌آورد پس عاطفه برای انسان لازم است. لکن حرکتی که از عواطف مایه و نیرو می‌گیرد نیاز به کنترل و هدایت دارند. عقل و اندیشه، این نقش مهم و حیاتی را بر عهده دارند و سبب می‌شوند که حرکات نامطلوب و زیانبخش از انسان سر نزنند انسان نمی‌تواند یک پارچه عشق و محبت باشد، همچنین نمی‌تواند یک پارچه کینه و عداوت و ستیزه جویی باشد و نیز نمی‌تواند یک پارچه دلیری و تهور یا ترس باشد. همه‌ی اینها در جای خود لازم است؛ اما همه‌ی اینها به وسیله عقل کنترل و هدایت می‌شوند». (احمد، بهشتی، تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۳۸) «تربیت اسلامی در سایه ایمان به خدا و پا سخگویی به جا به احسانا سات عالیّه از سانی، استعداد اخلاقی را بارور می‌کند و انسان را تا بدانجا پیش می‌برد که از فضایل اخلاقی لذت ببرد؛ و ملکات فاضله در روح او به گونه‌ای رسوخ کند، که با عواطف او عجین شده به چیزی جز پاکی

^۱ إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَالْبَهَائِمُ لَا يَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ.

^۲ عَنْ النَّبِيِّ (ص) فِيهَا أَوْسَىٰ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا تُضْرِبَنَّ أَدَبًا فَوْقَ ثَلَاثٍ فَإِنَّكَ إِنِ فَعَلْتَ فَهُوَ قِصَاصٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.



نپندیشد و از ناپاکی‌ها متنفر شود». (محمد تقی، رهبر (محمد حسن، رحیمیان)، اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۹۹) بدون شک زندگی، ارتباط با انسانهای گوناگون است و به طور مسلم برخوردار و سازش با چهره‌های مختلف همانند خشمگین، حسود، خود خواه، پرتوقع، حساس، زود رنج و کم گذشت کار هر کس نمی‌باشد. بنابراین توانائی و سازش در محیط اجتماعی نیازمند خصوصیات روحی و اخلاقی است که باید زیر بنای آن توسط پدران و مادران و مربیان و معلمان مدارس پی ریزی گردد». (رشید پور، مجید، آشنایی با تعلیم و تربیت اسلامی (با تأکید بر روش‌ها)، ص ۱۳۱)

ج) ایجاد انگیزه علم آموزی و شکوفایی روحیه حقیقت‌جویی

یکی از گرایش‌های اصیل فطری در انسان که او را از سایر جانداران متمایز می‌سازد کشش و جاذبه‌ای است که به حقیقت دارد این حس را آفریدگار حکیم در نهاد بشر به ودیعه نهاده تا سرچشمه معرفت و تحقیق و دانش و بینش باشد و در جهت کشف رازهای خلقت و عشق به آگاهی همواره تلاش کند. «حیوان بر اساس غرائزی که در آن وجود دارد فعالیت می‌کند و چون خواسته‌های غریزی‌اش برآورده می‌شود به تعادل رسیده از جنب و جوش می‌افتد. به عنوان مثال اگر خواسته‌ی حیوانی از نظر خواب و خوراک و میل جنسی ارضا گردد در چنین حالتی نیازمندیهای حیوان برطرف گشته به آرامش و سکون راه یافته از تکاپو و فعالیت باز خواهد ایستاد. ولی انسان که به گفته بعضی، حیوان متفکری است علاوه بر نیازمندیهای جسمانی، خواسته‌های روحی دیگری نیز دارد. روی این اصل انسان با ارضاء حوائج مادی به تعادل نرسیده، تکاپوی او همچنان ادامه دارد یکی از غرائز روانی انسان، حس کنجکاوی است». (رشید پور تهرانی، مجید، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، ص ۹۸). کودکان و نوجوانان را در تحقیق و کنجکاوی تشویق کنید و با بحث و استدلال آشنا سازید و در صورت امکان و لزوم، به آزمایش و تجربه وادار نمایید. کودک یک انسان متفکر است، فکر او را تقویت کنید تا نیروهای نهفته خویش را به کار اندازد و از هوش و فکر خود استفاده کند و برای زندگی آینده آماده گردد». (امینی، ابراهیم، آیین تربیت، ص ۱۷۲، ۱۷۰)

بحث و نتیجه گیری

اصل مشروعیت تأدیب نزد فقهای ما به قدری روشن بوده که نیازی به بحث از آن نمی‌دیدند. برخی از کلمات فقها در این زمینه از این قرار است: امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ظاهر آن است که مقدار تأدیب بستگی به نظر تأدیب کننده دارد. گاه مصلحت اقتضا می‌کند که کمتر از ده ضربه تازیانه زده شود، و گاه مقتضای مصلحت مقدار بیشتری است. ولی به هر حال تجاوز از آنچه مصلحت اقتضا می‌کند جایز نیست». ابن قدامه از فقهای عامّه می‌گوید: «معلم حق دارد شاگردانش را به منظور تأدیب بزند». مجازات‌های بدنی کودکان و نوجوانان فی الجمله مشروع است. البته به عنوان آخرین راه حل، یعنی در مواردی که جایگزین مناسبتری نداشته باشد. برای مشروعیت تأدیب کودکان، سه دلیل می‌توان ارائه کرد: ۱- اطلاعات روایات تأدیب، که آن را یکی از حقوق فرزندان بر پدران می‌داند؛ چرا که تأدیب گاه بدون مجازات‌های بدنی حاصل نمی‌شود. ۲- دلیل دوم احادیث و روایاتی است که مقدار تأدیب را بیان می‌کند. این دسته از روایات، دلالت بر جواز مجازات بدنی کودکان و نوجوانان در موارد ضروری دارد. ۳- سیره عقلا و متشرعه، از دیگر ادله مشروعیت تأدیب کودکان است.

نتیجه و استنباط مقاله در فقه چهار دسته تعیین فراروی والدین در مورد تنبیه بدنی فرزندان قرار می‌گیرد. اولاً تنبیه بدنی تنها در مورد استنکاف فرزندان از نماز خواندن است و در سایر موارد نمی‌توان اقدام به تنبیه بدنی ایشان نمود. ثانیاً این تنبیه نیز محدود به کودکان بالای هفت سال است بنابراین شرعاً امکان تنبیه کودکان زیر هفت سال به هیچ وجهی وجود ندارد. ثالثاً چنین تنبیهی نباید به هیچگونه آسیب بدنی حتی سرخی پوست منجر شود که اگر چنین شود، چنین آسیبی رسانی شرعاً حرام بوده و دارای ضمانت اجرای ضرورت پرداخت دیه می‌باشد. رابعاً قید کلی تمامی این رفتارها، وضعیت خاص روانی والدین است چرا که ایشان حق ندارند در هنگام عصبانیت و غضب اقدام به تأدیب فرزندان نمایند. بنابراین حتی اگر کودک ده ساله‌ای که از خواندن نماز استنکاف نموده است توسط والدین تنبیهی شود به نحوی که حتی بدن وی سرخ هم نشود اما این تنبیه از



روی عصبانیت و در حال غضب باشد، باز هم چنین تنبیهی شرعاً جایز نیست و هرچند موضوعی برای پرداخت دیه وجود ندارد اما ضمانت اجرای شرعی ارتکاب عمل حرام و عقاب اخروی ضمانت اجرای چنین تنبیه مبتنی بر عصبانیت است و امکان تعزیر چنین رفتاری به علت حرام بودن رفتار و قاعده فقهی التّعزیرُ لکلِّ عملٍ مُحَرَّم وجود خواهد داشت و قانونگذار می‌تواند با مدنظر قراردادن مصالح اجتماع، به جرم انگاری تنبیه کودکان توسط والدین در صورت عدم رعایت شرایط فقهی مندرج در فقه اقدام نماید. مقاله را با بیان حدیثی مهم از رسول گرامی اسلام (ص) به پایان می‌برم، روایتی که مضمون و محتوای آن از یکسو لرزه بر اندام هر اهل اندیشه‌ای و هر متدینی به شریعت اسلام خواهد انداخت و از سوی دیگر فاصله میان نصوص شرعی و رفتارهای خارجی مسلمانان را بیش از پیش آشکار خواهد نمود: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْضَبُ لَشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِّانِ (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۱، ص ۶۹) این حدیث بدین معناست که خداوند در مورد هیچ موضوعی مانند امور مرتبط با زنان و کودکان غضب نمی‌نماید یعنی خروج از حیطة تعیین شده در خصوص این دو موضوع (بخصوص برخورد بدنی و ظلم به این دو گروه) بیشترین میزان قهر و غضب الهی را در بر خواهد داشت.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
۲. ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم‌الدین (۱۴۰۳ ق). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: بی‌نا.
۳. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۵ ق). *المکاسب المحرمه*. قم: مؤسسه در راه حق.
۴. اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۸). *حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت*. ندای صادق، شماره ۵۱، ص ۵۳۵-۵۳۶.
۵. اشتیاردی، علی‌پناه (۱۴۱۷ ق). *مدارک العروه*. تهران: دار الأسوه للطباعة و النشر.
۶. اصفهانی کمپانی، محمدحسین (۱۴۱۵ ق). *حاشیه کتاب المکاسب*. قم: محقق.
۷. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر (۱۴۱۰ ق). *بحار الانوار الجامعه للدرر اخبار الائمه الاطهار (ع)*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۸. انصاری، قدرت‌الله و همکاران (۱۳۸۵). *تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. جناتی، محمدابراهیم (۱۴۱۵ ق). *دروس فی النکته*. قم: الاعلام الاسلامی، ج ۲.
۱۰. حلبی، ابوالملاح (۱۴۰۳ ق). *الکافی فی الملکه*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین (ع).
۱۱. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه، چاپ دهم، ج ۱.
۱۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۴ ق). *توضیح المسائل (المحشی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۵.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ ق). *المکاسب، مصباح الفقاهه*. بی‌جا: بی‌نا، ج ۳.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*. قم: المطبعه العلمیه، چاپ دهم، ج ۲-۱.
۱۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۱). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. تهران: انتشارات زیتون.
۱۷. سیلامی، نوربیر (۱۳۸۰). *المعجم الموسوعی فی علم النفس*. ترجمه وجیه أسعد. دمشق: منشورات وزارة الثقافة فی جمهوریه العربیه السوریه.
۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۹. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۸۱). *عروه الوثقی*. تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ ق). *رجال الشیخ - الأبواب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *تفسیر تبیان*. تهران: بی‌نا، ج ۱.
۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۵.
۲۳. فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد (بی‌تا). *کشف اللثام*. بی‌جا: بی‌نا، ج ۲.
۲۴. فانتس، علی (۱۳۷۵). *جایگاه روش‌های تنبیه در تعلیم و تربیت*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.



۲۵. قرطبی انصاری، ابوعبدالله محمد بن احمد (۱۴۰۵ ق). *الجامع لأحكام القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *دوره حقوق مدنی خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۲.
۲۷. کهزادی باصری، محبوبه (۱۳۹۷). *مطالعه و بررسی مسئولیت کیفری و مدنی کودکان و نوجوانان*. قانون یار، دوره دوم، شماره ششم.
۲۸. محقق سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). *مہذب الأحكام فی بیان الحلال والحرام*. قم: دفتر آیت الله سبزواری، ج ۲۵، ۲۸.
۳۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۸ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۴۱.



Discipline & Children's Right to Health in Islamic Jurisprudence

Ayda Tanhaei Dilmaghaneh

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Aydatanhaei1360@gmail.com

Hadi Aliie

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
(Corresponding Author)
Aliiehadi_lawyer@yahoo.com.au

Abstract

This research examines child discipline in Islam; And it seeks to answer the question, what methods Islam has brought to discipline children? To achieve this important, this research was done in a library method; Therefore, this research is applied and problem-oriented in terms of purpose, and the type of research is descriptive-analytical. The results of the research showed that religious education and moral education of children and the duties of parents in these areas have been paid attention to in jurisprudence sources. In this way, it is obligatory to protect the child from what causes the corruption of his morals and beliefs, and care should be taken to prevent the child from falling into the abyss of loss, corruption and sin, and to prevent him from committing sins and to accustom him to good morals and manners.

Keywords: Discipline, Child, Health, Jurisprudence